

شیوه‌های گذران اوقات فراغت در میان دانش‌آموزان و پدافند غیرعامل

اسداله بابایی فرد^۱، امین حیدریان^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی شیوه‌های گذران اوقات فراغت در میان دانش‌آموزان مقطع دبیرستان می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش گونه‌شناسی شیوه‌های گذران اوقات فراغت بر مبنای عواملی چون جنسیت و محل سکونت بوده است که بدین جهت برخی از نظریات متأخر در حوزه اوقات فراغت مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان شهر ابوزیدآباد (برابر با ۳۷۱ نفر) بوده است، که تعداد ۱۶۴ نفر از آن‌ها به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج تجربی این پژوهش، بر اساس آزمون آماری T ، نشان می‌دهند که بین جنسیت و شیوه‌های ورزشی و رسانه‌ای گذران اوقات فراغت رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین محل سکونت و شیوه‌های ورزشی و تعاملی گذران اوقات فراغت رابطه معنادار مشاهده شده است. در مجموع، با توجه به نتایج به دست آمده از بخش تجربی این پژوهش، توجه هرچه بیش‌تر به کاستی‌ها و مسائل فرهنگی و اتخاذ رویکرد پدافند غیرعامل فرهنگی (رسانه‌ای و ورزشی) در میان قشر دانش‌آموز پیشنهاد می‌شود. کلیدواژه‌ها: اوقات فراغت، جنسیت، محل سکونت، رسانه‌های ارتباط جمعی، تعاملات اجتماعی.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان

۲. کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی.

۱. مقدمه

واژه‌ی فراغت در زبان فارسی، معادل واژه‌ی *Leisure* در زبان انگلیسی، *Loisir* در زبان فرانسه و از ریشه‌ی لاتین *Licere* است و در لغت به معنای آسودگی و آسایش، آسوده شدن از کار و آزاد بودن از کار روزانه معنا شده است. اما در تعریف اصطلاحی اوقات فراغت، دیدگاه‌ها و نظریات متعدد و متنوعی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به تعریف ژوفر دومازیه^۱، جامعه‌شناس فرانسوی و مؤلف کتاب *به سوی یک تمدن فراغت*، اشاره کرد که معتقد است اوقات فراغت، عبارت از مجموعه‌ی فعالیت‌هایی است که شخص پس از ارزش‌یابی تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی، با میل و اشتیاق به آن می‌پردازد و غرضش استراحت، تفریح، توسعه‌ی دانش، به کمال رساندن شخصیت خویش، به ظهور رساندن استعدادها و خلاقیت‌ها و یا مشارکت آزادانه در اجتماع است. هم‌چنین به موجب تعریفی که توسط گروه بین‌المللی جامعه‌شناسی ارائه شده، فراغت عبارت است از مجموعه‌ای اشتغالات که فرد کاملاً به رضایت خاطر خود یا برای استراحت یا برای تفریح، یا به منظور توسعه‌ی آگاهی‌ها و یا فراگیری غیرانتفاعی، مشارکت اجتماعی داوطلبانه بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن می‌پردازد (عصاره، ۱۳۷۷: ۶۵۷). نیش^۲ نیز در کتاب *فلسفه‌ی فراغت و تفریحات سالم* معتقد است فراغت مربوط به اوقاتی از زندگی انسان می‌شود که از کار کردن آزاد است یا در خواب نیست (یوسفی، ۱۳۷۵). کن براون، جامعه‌شناس اوقات فراغت، بیان می‌دارد که وقت فراغت صرفاً وقتی نیست که صرف کار نشود، بلکه فعالیت‌هایی مانند مسافرت برای کار، مراقبت شخصی، کارهای خانه، خرید، مراقبت از بچه و خوابیدن، همه از امور ضروری‌اند که اکثر جامعه‌شناسان، آن‌ها را به عنوان فراغت نمی‌شناسند (بیرو، ۱۳۷۰).

در مجموع، اوقات فراغت، فرصت و زمانی است که انسان مسؤلیت‌پذیر هیچ‌گونه تکلیف یا کار موظفی را عهده‌دار نبوده، زمان در اختیار اوست که با میل و انگیزه‌های شخصی به امر خاصی بپردازد. به عبارت دیگر، فراغت زمانی است که پس از به انجام رساندن کار و تکالیف موظف روزانه، باقی مانده و انسان فرصت می‌یابد که با رغبت، علاقه و انگیزه‌ی شخصی فعالیت یا برنامه‌ی خاصی انتخاب نماید (افروز، ۱۳۷۰: ۱۲۴ و ۱۲۵). هدف از بیان اوقات فراغت فرصت‌هایی است که انسان هیچ‌گونه تکلیف یا کار موظفی را به عهده‌ی خود ندارد و زمان در اختیار اوست، به نحوی که می‌تواند به میل و انگیزه‌ی شخصی به امور خاص بپردازد. به بیان دیگر، زمان فراغت را می‌توان زمانی دانست که انسان فرصت می‌یابد پس از به انجام رساندن تکالیف و کار موظف روزانه‌ی خود با میل و رغبت و علاقه و انگیزه‌ی شخصی به برنامه‌های خاصی بپردازد.

1. Joffre Dumazedier
2. J. B. Nish.

موضوع اوقات فراغت را می‌توان در دو سطح خرد و کلان مورد بررسی قرار داد. در سطح خرد عوامل فردی و خانوادگی و نیز زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی قرار دارند که نه تنها در اوقات فراغت، بلکه در زندگی روزمره‌ی اعضای جامعه مؤثرند. در سطح کلان نیز می‌توان به سیاست‌گذاری، مدیریت و برنامه‌ریزی در جهت متنوع ساختن اوقات فراغت و فراهم آوردن امکانات فراغتی برای شهروندان اشاره کرد. امروزه فراهم آوردن امکانات فراغتی و تفریحی جهت تأمین نیازها در این زمینه، به یکی از مسایل اجتماعی - فرهنگی پایدار جوامع بدل گشته است. با این که فقدان وسایل تفریحی علت منحصر به فرد آسیب‌های اجتماعی به شمار نمی‌آید، اما همواره نقشی اساسی در ایجاد انواع انحرافات محسوب می‌شود. تحقیقات متعدد نشان داده که رواج انواع تفریحات ناسالم، و به تبع آن بروز آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی، در بسیاری از جوامع ناشی از نداشتن امکانات مناسب تفریحی، عدم آگاهی، نداشتن برنامه‌ی صحیح و نیز اجرای سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی نادرست در این زمینه است. پژوهش‌های انجام شده در ایران نیز حاکی از این است که در بسیاری از موارد، انحرافات در میان دانش‌آموزان، نتیجه‌ی فقدان برنامه‌ریزی صحیح جهت گذران اوقات فراغت بوده است. در این زمینه فقدان آگاهی والدین، عدم احساس مسؤلیت نهادهای حکومتی و کمبود امکانات فراغتی و تفریحی مناسب باعث رواج تفریحات اجتماعی ناسالم و در نتیجه ورود نوجوانان به انواع انحرافات اجتماعی (مانند انزوایگزینی، بزه‌کاری، اعتیاد به موارد مخدر و ...) است.

از دیگر مسائل مورد بررسی گذران اوقات فراغت در ایران، موضوع توان فرهنگی ایران و پدافند غیرعامل فرهنگی^۱ می‌باشد. پدافند غیرعامل به مجموعه‌ی اقداماتی اطلاق می‌شود که نیاز به جنگ‌افزار و تسلیحات نظامی ندارد و با اجرای آن می‌توان از وارد آمدن خسارت مالی به تأسیسات و تجهیزات حیاتی و حساس و مهم و نیز تلفات انسانی جلوگیری کرد و یا میزان آن را کاهش داد (موحدی‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۳). پدافند غیرعامل به انواع مختلفی قابل تقسیم است که از آن جمله می‌توان به پدافند غیرعامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، معماری و شهرسازی و ... اشاره کرد. که از این میان، پدافند غیرعامل فرهنگی به مجموعه‌ی اقدامات غیرنظامی در جهت فرهنگ‌سازی و بالابردن توان فرهنگی گفته می‌شود که به افزایش مقاومت فرهنگی می‌انجامد.

در سال‌های اخیر، ورود فرهنگ کشورهای غربی از طریق رسانه‌های نوین ارتباطی و گرایش روزافزون جوانان به این فرهنگ، در سبک زندگی و شیوه‌های گذران اوقات فراغت آنان نیز تأثیرات چشم‌گیری را به همراه داشته است. از این رو انجام پژوهش‌هایی در موضوعات اجتماعی و فرهنگی در وهله‌ی نخست و سپس اتخاذ رویکردی راهبردی در پدافند غیرعامل فرهنگی که موجب افزایش توان و مقاومت فرهنگی بومی در این حوزه گردد بیش از پیش اهمیت یافته است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی نحوه‌ی گذران اوقات

فراغت، به بررسی میزان گرایش دانش‌آموزان به شیوه‌های گوناگون گذران اوقات فراغت با توجه به دو عامل جنسیت و محل سکونت پرداخته است.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

در این قسمت به پژوهش‌هایی که در حوزه‌ی مطالعات اوقات فراغت در جهان و ایران انجام شده‌اند پرداخته شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. نتایج یک پیمایش ملی در ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که ۳۶/۵ درصد از مردم از فعالیت‌های اوقات فراغت خود بیش از سایر فعالیت‌هایشان رضایت دارند. ۳۲/۵ درصد از آن‌ها خشنود بوده‌اند و ۱۱ درصد بسیار لذت می‌برده‌اند. همچنین، معروف‌ترین فعالیت در اوقات فراغت، تماشای تلویزیون بوده است که به طور متوسط بزرگسالان تقریباً ۲۵ ساعت در هفته به آن مبادرت می‌ورزند (آیزنک، ۱۳۷۵).

طرح پژوهشی دیگری با عنوان *اوقات فراغت جوانان*، توسط هندی در سال ۱۹۸۳ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که کاهش مستمری در مشارکت ورزشی و دیگر فعالیت‌های سازمان‌یافته در سنین ۱۴-۱۳ سالگی مشاهده می‌شود. پرسه‌زدن در محلات اطراف و ناکافی دانستن اماکن مناسب گذراندن اوقات فراغت در سنین ۲۰-۱۹ سالگی به اوج خود می‌رسد. همچنین، پسران جوان بیش‌تر احتمال دارد در ورزش و برنامه‌های سازمان‌یافته‌ی اوقات فراغت شرکت کنند. در حالی که دختران تمایل بیش‌تری به رفت و آمد با دوستان و حضور در سینما دارند. همچنین، پژوهش مذکور نشان می‌دهد که میزان پرسه‌زنی در محله‌های اطراف در میان پسران و در سنین ۲۰-۱۷ سالگی بیش‌تر از دختران است (همان: ۱۳۷۵).

در میان پژوهش‌های داخلی، پژوهشی با عنوان *اثرسنجی برنامه‌های اوقات فراغت دختران دانش‌آموز (مطالعه‌ی موردی استان خراسان شمالی)*، توسط حامد عطایی سعیدی (عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز)، محسن ناصری راد (کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه تهران) و سیده فاطمه محبی (کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا) در سال ۱۳۸۸ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که میزان دین‌داری، مشارکت اجتماعی، شادابی و نشاط، آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی (ره) و آشنایی با انقلاب اسلامی در میان دانش‌آموزان دختر در قبل و بعد از اجرای برنامه‌های اوقات فراغت افراد مورد بررسی تفاوت داشته است، به طوری که می‌توان گفت برنامه‌های اوقات فراغت مذکور اثربخش بوده است (عطایی سعیدی، ۱۳۸۸).

پژوهشی دیگر با عنوان *اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی (نمونه‌ی موردی دو دبیرستان دخترانه‌ی شهر تهران)* توسط ناصر فکوهی (دانشیار دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران) و فرشته انصاری مهابادی (کارشناس ارشد انسان‌شناسی) در سال ۱۳۸۲ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان دادند که نگرش‌ها و رویکردهای خانواده‌های گروه اول بیش‌تر مدرن و گروه دوم سنتی است، به گونه‌ای که

نگرش‌ها و رویکردهای خانواده‌ها در نوع گذران فراغت هر دو گروه اثر گذاشته است. دختران گروه الف از تنوع فراغتی بیشتری برخوردار بوده و علاوه بر گذران فراغت در خانه، در خارج از خانه نیز فعالیت دارند. اما فراغت گروه ب بسیار کم‌تنوع و محدود بوده و تا حد زیادی در فعالیتهای داخل خانه متمرکز است. هم‌چنین، گذران اوقات فراغت در گروه اول موجب شده تا خصایص و رفتارهای شخصیتی خاصی چون برون‌گرایی، اجتماعی بودن، فعال و خلاق بودن در آن‌ها شکل بگیرد. اما شرایط سخت زندگی دختران گروه ب سبب بروز خصایصی نظیر درون‌گرایی، انزوا، انفعال، نداشتن خلاقیت، شرم، خجالت و کم‌رویی شده است (فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۲).

بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباده)، عنوان پژوهش دیگری است که توسط بیژن خواجه‌نوری (استادیار پژوهشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه شیراز) و علی اصغر مقدس (استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز) در سال ۱۳۸۷ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده‌ی آن است که به ترتیب متغیرهای استفاده از فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، دلبستگی به دوستان، مذهبی بودن و دلبستگی به مدرسه بر روی هم ۳۶/۱ درصد تغییرات را در میزان اوقات فراغت دانش‌آموزان تبیین می‌کنند (خواجه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۷).

پژوهشی دیگر با عنوان بررسی وضعیت گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی شهرستان رشت و رابطه‌ی آن با سطح امکانات فرهنگی و ورزشی توسط مرتضی رضایی‌صوفی (عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز رشت) در سال ۱۳۸۵ انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که بین میزان رضایت یا عدم رضایت دانش‌آموزان از نحوه‌ی گذران اوقات فراغت خود با وجود یا عدم وجود امکانات ورزشی و نیز بین امکانات ورزشی موجود و سپری شدن اوقات فراغت دانش‌آموزان به صورت هم‌نشینی با دوستان و قدم زدن در خیابان‌ها و پارک‌ها رابطه‌ی معناداری وجود دارد (رضایی‌صوفی، ۱۳۸۵).

هم‌چنین پژوهش دیگری با عنوان **مطالعه‌ی تطبیقی گذران اوقات فراغت جوانان شهر صومعه‌سرا (مطالعه‌ی موردی: دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان)** توسط اکبر معتمدی مهر (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت) و مریم واقف کودهی (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم) در سال ۱۳۸۸ انجام شده است. نتایج این پژوهش بیان می‌دارند که بین نحوه‌ی گذران اوقات فراغت دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد (رد فرضیه‌ی اول). هم‌چنین، بین میزان اوقات فراغت دختران و پسران (در فصل تابستان) تفاوت معنادار وجود دارد (تأیید فرضیه‌ی دوم) (معتمدی مهر و واقف کودهی، ۱۳۸۸).

۳. مبانی و چهارچوب نظری

پی‌یر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، با تأکید بر مفهوم منش^۱ و ذائقه^۲ به نحوه‌ی گذران اوقات فراغت می‌پردازد. از نظر بوردیو اوقات فراغت در عصر حاضر به طیفی از انتخاب‌ها بدل گشته و از این رو گزینش اوقات فراغت پویا بوده و بر تجربه‌های زندگی فرد و منش او یعنی، علایق، ارزش‌ها، برداشت از فراغت و شایستگی‌های فرهنگی مبتنی است. از نظر او پرورش شخص در خانواده و طبقه‌ای خاص، بر انتخاب اوقات فراغت او بسیار تأثیرگذار است. به گونه‌ای که علایق، سلیقه‌ها، خواست‌ها و برداشت‌های مربوط به فراغت، در دوران کودکی در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته شده و در شکل‌گیری منش مؤثر واقع می‌شود (رفعت‌جاه، ۱۳۹۰: ۱۶۱). منش عبارت از همه‌ی رفتارهای اجتماعی است که درونی شده‌اند و طبیعی جلوه می‌کنند، به نحوی که سلسله‌ای از تمایلات، گرایش‌ها و کشش‌های گوناگون به همراه آن‌چه از بیرون به ذهنیت انسان منتقل می‌شود و تأثیری که انسان بر آن دارد، باعث ایجاد منش می‌شود و افراد ناخودآگاه رفتارهای اجتماعی‌ای دارند که خودشان هم از آن آگاه نیستند (توسلی، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

ذائقه (سلیقه) مفهوم دیگری است که در این‌جا مطرح می‌شود. ذائقه از منش سرچشمه می‌گیرد و اکثر ویژگی‌های آن را داراست و شامل گرایش‌ها و روحیات زیبایی‌شناختی افراد یک طبقه است. به عبارت دیگر، سلسله‌مراتب طبقاتی و اشیای فرهنگی، ارجحیت‌ها و رفتار کسانی که در موقعیت خاص طبقاتی هستند به هم مربوط هستند. با این‌که به نظر می‌رسد سلیقه یک پدیده‌ی ساده طبیعی باشد، اما بوردیو معتقد است که رابطه‌ای مستقیم با موقعیت طبقاتی دارد، به گونه‌ای که تضاد در سلیقه میان افراد به تضاد طبقاتی مربوط می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۵).

منش دارای شالوده‌ای است که تمام گزینه‌های فراغت بر آن بنا نهاده شده و افراد از طریق شکل گرفتن منش و ذائقه به طیفی از شایستگی‌های فرهنگی یا سرمایه‌ی فرهنگی^۳ دست می‌یابند که انواع خاصی از فعالیت‌های اوقات فراغت را کم و بیش در اختیارشان قرار می‌دهد یا امکان‌پذیر می‌سازد. از نظر بوردیو فعالیت‌های فراغتی، در واقع حوزه‌ای از امکانات وابسته به شایستگی‌های فرهنگی است. در این حوزه، انواع گوناگون فعالیت‌های فراغت و فضاها، مختلف و رویکردهای گوناگونی که فرد احتمالاً ممکن است بپذیرد، یافت شده و به فرد امکان انتخاب می‌دهد (رفعت‌جاه، ۱۳۹۰: ۱۶۱). بنابراین بوردیو فعالیت‌های فراغتی را متشکل از انتخاب‌های متنوعی می‌داند که افراد با توجه به منش، ذائقه و سرمایه‌ی فرهنگی خود آن‌ها را انتخاب می‌کنند.

کریس روجک، اخیراً در کتابی با عنوان *نظریه‌ی فراغت، اصول و عمل کرد*^۴ (۲۰۰۵)، این بحث را

1. Habitus
2. Taste
1. Cultural Capital

۴. Leisure Theory, Principles and Practice

مطرح می‌کند که ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که روز به روز مسائل نامشخص و غیرقطعی در برابر ما قرار می‌گیرد. به زعم او، ماهیت و هدف بسیاری از امور، از جمله اهداف فراغتی، در چنین جامعه‌ای بسیار پیچیده‌تر از سی سال پیش است. از نظر روجک در جامعه‌ی جدید باید قرائت جدیدی از فرد و فعالیت‌های او کرد. در این جامعه فرد به یک شهروند فعال تبدیل می‌شود. فردی که در میانه و گیرودار مشارکت و تعامل با سایر افراد، با سازمان‌های داوطلبی، با دولت‌ها و حتی به عنوان یک شهروند جهانی با سایر ملل است. بنا بر تعریف روجک، شهروند فعال، مدل توان‌مندشده‌ی فردی است که حقوق مدنی و مسؤلیت‌های خود را می‌داند. این مدل توان‌مندشده در دو سطح قابل بررسی است. نخست نیاز او به جامعه‌ی مدنی در رابطه با انتخاب‌های سبک زندگی‌اش و انتخاب‌های سیاسی بازنمایی و دوم سازمان‌های مشارکتی شهروندان، سازمان‌های داوطلبی و دولت برای فعالیت مشارکتی بالا بر اساس حقوق و مسؤلیت‌ها (بی‌نا، ۱۳۸۷: ۲۶۵، ۲۶۷).

روجک این استدلال را مطرح می‌کند که ما با جهانی درگیر هستیم که با گسترش ارتباطات توده‌ای با دسترسی زیاد به آموزش و اطلاعات، همه‌ی این مسائل رابطه‌ی فرد و فراغت را عوض کرده است. جامعه‌ای که در آن فن‌آوری‌های دستگاه‌های ارتباطی، تأثیرگذاری شگرفی در ذخیره‌ی اطلاعات افراد در گروه‌های مختلف ایجاد کرده‌اند. به علاوه، تجربه‌ی فراغت شهروند فعال با اطلاع از انتخاب‌های سبک زندگی و ریسک‌هایی که در اثر تعامل با محیط زیست تولید کرده است با وجود چنین جامعه‌ی اطلاعاتی صورت دیگری به خود گرفته است. به عقیده‌ی روجک، در زمان فراغت افراد بیشتر در معرض اطلاعات و اخبار قرار می‌گیرند و شهروند فعال در حقیقت در این ایام بیشتر شکل می‌گیرد و مسأله‌ی انتخاب سبک زندگی در این هجوم اطلاعات در این زمان بیشتر معنا پیدا می‌کند (همان: ۲۶۷).

۴. فرضیات پژوهش

به طور کلی فرضیات این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. بین جنسیت و شیوه‌ی علمی - آموزشی اوقات فراغت رابطه‌ی معنادار وجود دارد، ۲. بین جنسیت و شیوه‌ی ورزشی اوقات فراغت رابطه‌ی معنادار وجود دارد، ۳. بین جنسیت و شیوه‌ی رسانه‌ای اوقات فراغت رابطه‌ی معنادار وجود دارد، ۴. بین جنسیت و شیوه‌ی تعاملی اوقات فراغت رابطه‌ی معنادار وجود دارد، ۵. بین محل سکونت و شیوه‌ی علمی - آموزشی اوقات فراغت رابطه‌ی معنادار وجود دارد، ۶. بین محل سکونت و شیوه‌ی ورزشی اوقات فراغت رابطه‌ی معنادار وجود دارد، ۷. بین محل سکونت و شیوه‌ی رسانه‌ای اوقات فراغت رابطه‌ی معنادار وجود دارد، ۸. بین محل سکونت و شیوه‌ی تعاملی اوقات فراغت رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

۵. روش پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایش اجتماعی (به صورت پرسش‌نامه‌ای)، که روشی کمی است و به عنوان یکی از رایج‌ترین شیوه‌های مطالعاتی در علوم اجتماعی می‌باشد، استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر در مقطع متوسطه‌ی شهر ابوزید آباد بوده است که در پایه‌های اول، دوم و سوم دبیرستان و دوره‌ی پیش‌دانشگاهی مشغول به تحصیل بوده‌اند که تعداد آن‌ها برابر با ۳۷۱ نفر بوده است. از این تعداد ۱۶۴ نفر به صورت سهمیه‌ای (بر اساس حجم جامعه آماری در هر طبقه) و با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. در این پژوهش، جهت سنجش میزان پایایی پرسش‌نامه‌ی پژوهش از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. جدول ۲ میزان این ضریب را به همراه گویه‌ها برای هر متغیر نشان می‌دهد.

جدول ۱: حجم نمونه‌ی آماری پژوهش به تفکیک پایه‌ی تحصیلی و جنسیت

جنسیت	سال اول دبیرستان	سال دوم دبیرستان	سال سوم دبیرستان	دوره‌ی پیش‌دانشگاهی	جمع
دختر	۴۳	۲۱	۲۰	۰	۸۴
پسر	۵۳	۱۲	۹	۲	۷۶
جمع	۹۶	۳۳	۲۹	۲	۱۶۰

جدول بالا نشان می‌دهد که بیش‌تر دانش‌آموزان در سال اول دبیرستان به تحصیل اشتغال دارند (۹۶ نفر)؛ پس از آن دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان (۳۳ نفر)، دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان (۲۹ نفر) و دانش‌آموزان دوره‌ی پیش‌دانشگاهی (۲ نفر) قرار دارند. از نظر جنسیت نیز، بیش‌تر دانش‌آموزان دختر بوده‌اند (۸۴ نفر). ۷۶ نفر از دانش‌آموزان نیز پسر بوده‌اند.

جدول ۲: شاخص‌های اصلی پژوهش و گویه‌های شاخص‌ها

شاخص	گویه‌های شاخص‌ها
شیوه‌ی علمی - آموزشی گذران اوقات فراغت (آلفای کرونباخ: ۰/۸۱۸)	۱. میزان گذراندن اوقات فراغت در کتابخانه‌ها، ۲. میزان مطالعه‌ی کتاب‌های غیردرسی در اوقات فراغت، ۳. میزان مطالعه‌ی روزنامه و مجلات در اوقات فراغت، ۴. میزان مقاله‌نویسی، داستان‌نویسی، شعر و ... در اوقات فراغت، ۵. میزان فعالیت‌های تحقیقاتی و مطالعاتی در اوقات فراغت، ۶. میزان گذراندن اوقات فراغت در مدرسه، ۷. میزان مشارکت در برنامه‌های تربیتی و هنری مدرسه در اوقات فراغت، ۸. میزان مطالعه‌ی کتاب‌های درسی در اوقات فراغت، ۹. میزان شرکت در کلاس‌های جبرانی و تقویتی در اوقات فراغت.
شیوه‌ی ورزشی گذران اوقات فراغت	۱. میزان مشارکت در تیم‌ها و باشگاه‌های ورزشی در اوقات فراغت، ۲. میزان انجام فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت، ۳. میزان قدم‌زدن و پیاده‌روی در اوقات فراغت.

شيوه‌های گذران اوقات فراغت در میان دانش‌آموزان و پدافند غیرعامل □ ۱۷۵

	(آقای کروناخ: ۰/۵۹۷)
۱. میزان استفاده از برنامه‌های تلویزیون در اوقات فراغت، ۲. میزان استفاده از برنامه‌های رادیو در اوقات فراغت، ۳. میزان گوش‌دادن به موسیقی‌های مختلف در اوقات فراغت، ۴. میزان استفاده از رایانه و بازی‌های رایانه‌ای در اوقات فراغت، ۵. میزان استفاده از سایت‌های گوناگون اینترنت در اوقات فراغت، ۶. میزان چَت کردن (استفاده از اتاق‌های گپ‌زنی مجازی) در اوقات فراغت، ۷. میزان استفاده از بلوتوث و پیامک در اوقات فراغت.	شيوه‌ی رسانه‌ای گذران اوقات فراغت (آقای کروناخ: ۰/۷۳۸)
۱. میزان دیدار و صحبت با دوستان در اوقات فراغت، ۲. میزان دید و بازدید از آشنایان و اقوام در اوقات فراغت، ۳. میزان شرکت در مهمانی‌های دوستانه در اوقات فراغت.	شيوه‌ی تعاملی گذران اوقات فراغت (آقای کروناخ: ۰/۶۷۰)

۶. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

۶-۱. مشخصات عمومی پاسخ‌گویان

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که: از نظر جنسیت، ۸۴ نفر از پاسخ‌گویان دختر و ۷۶ نفر پسر هستند؛ از نظر سن، ۲۱/۴ درصد ۱۴ سال، ۴۴/۵ درصد ۱۵ سال، ۳۱/۷ درصد ۱۶ سال و ۲/۴ درصد ۱۸-۱۷ سال قرار دارند؛ از نظر محل سکونت، ۵۳/۶ درصد شهرنشین و ۴۶/۴ درصد روستانشین بوده‌اند؛ از نظر مقطع تحصیلی، ۶۰ درصد اول متوسطه، ۲۰/۶ درصد دوم متوسطه، ۱۸/۲ درصد سوم متوسطه و ۱/۲ درصد در مقطع پیش‌دانشگاهی قرار داشتند؛ از نظر تحصیلات پدر، ۴/۹ درصد بدون سواد، ۳/۵ درصد ابتدایی، ۱۸/۵ درصد راهنمایی، ۲۹/۸ درصد دیپلم؛ ۳۷/۸ درصد کاردانی، ۵/۵ درصد در مقطع کارشناسی و مقاطع بالاتر قرار داشتند؛ از نظر تحصیلات مادر، ۰/۶ درصد بدون سواد، ۲/۹ درصد ابتدایی، ۷/۷ درصد راهنمایی، ۵/۵ درصد دیپلم، ۷۴/۲ درصد کاردانی؛ ۹/۱ درصد در مقطع کارشناسی و مقاطع بالاتر قرار داشتند، از نظر وضعیت شغلی پدر، ۹۱/۵ درصد شاغل، ۵/۵ درصد غیر شاغل و ۳ درصد بازنشسته بودند و از نظر وضعیت شغلی مادر، ۸/۵ درصد شاغل، ۹۱/۵ درصد غیر شاغل بودند.

۶-۲. توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

در این قسمت، میزان فراوانی و درصد متغیرهای پژوهش شامل شیوه‌ی علمی - آموزشی اوقات فراغت، شیوه‌ی ورزشی اوقات فراغت، شیوه‌ی رسانه‌ای اوقات فراغت و شیوه‌ی تعاملی اوقات فراغت، در قالب جدول زیر در سه طبقه‌ی پایین، متوسط و بالا ارائه شده است.

جدول ۳: توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

طبقات				متغیرها	
جمع	بالا	متوسط	پایین	فراوانی	
۱۶۰	۱۴	۷۴	۷۲	فراوانی	شیوهی علمی - آموزشی اوقات فراغت
%۱۰۰	%۸/۵	%۴۵/۱	%۴۳/۹	درصد	
۱۶۲	۳۲	۸۱	۴۹	فراوانی	شیوهی ورزشی اوقات فراغت
%۱۰۰	%۱۹/۵	%۴۹/۴	%۲۹/۹	درصد	
۱۶۳	۴۱	۸۵	۳۷	فراوانی	شیوهی رسانه‌ای اوقات فراغت
%۱۰۰	%۲۵/۰	%۵۱/۸	%۲۲/۶	درصد	
۱۶۲	۳۹	۸۷	۳۶	فراوانی	شیوهی تعاملی اوقات فراغت
%۱۰۰	%۲۳/۸	%۵۳/۰	%۲۲/۰	درصد	

با توجه به جدول ۳، بیش‌ترین میزان فراوانی در شیوه‌های علمی - آموزشی (با ۴۵/۱ درصد)، ورزشی (با ۴۹/۴ درصد)، رسانه‌ای (با ۵۱/۸ درصد) و تعاملی (با ۵۳ درصد) در طبقه‌ی متوسط قرار دارد. هم‌چنین، کم‌ترین میزان فراوانی در شیوه‌ی علمی - آموزشی (با ۸/۵ درصد) در طبقه‌ی بالا، در شیوه‌ی ورزشی (با ۱۹/۵ درصد) در طبقه‌ی بالا، در شیوه‌ی رسانه‌ای (با ۲۲/۶ درصد) در شیوه‌ی تعاملی و در شیوه‌ی تعاملی (با ۲۳ درصد) در طبقه‌ی پایین قرار دارد.

۳-۶. آزمون فرضیات پژوهش

در این قسمت با استفاده از آزمون T (برای دو گروه مستقل) به بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و وابسته و بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۴: آزمون رابطه‌ی بین جنسیت و شیوه‌های گذران اوقات فراغت

متغیرها	ابعاد	فراوانی	میانگین	درجه آزادی	T	Sig
جنسیت و شیوه‌ی علمی - آموزشی اوقات فراغت	دختر	۸۲	۲۲/۳۱۷	۱۴۶/۴۱۶	۰/۷۱۲	۰/۴۷۷
	پسر	۷۸	۲۲/۵۸۹			
جنسیت و شیوه‌ی ورزشی اوقات فراغت	دختر	۸۴	۸/۰۳۵	۱۶۰	-۴/۸۳۱	۰/۰۰۰
	پسر	۷۸	۹/۹۸۷			
جنسیت و شیوه‌ی رسانه‌ای اوقات فراغت	دختر	۸۵	۱۸/۹۵۲	۱۶۱	-۵/۱۳۰	۰/۰۰۰
	پسر	۷۸	۲۳/۴۱۷			
جنسیت و شیوه‌ی تعاملی اوقات فراغت	دختر	۸۴	۹/۴۱۶	۱۶۰	-۰/۵۰۳	۰/۶۱۶
	پسر	۷۸	۹/۶۴۱			

شيوه‌های گذران اوقات فراغت در میان دانش‌آموزان و پدافند غیرعامل □ ۱۷۷

جدول بالا نشان می‌دهد که بین جنسیت و شیوه‌ی ورزشی اوقات فراغت (دختران با میانگین ۸/۰۳۵ و پسران با میانگین ۹/۹۸۷)، و همچنین بین جنسیت و شیوه‌ی رسانه‌ای اوقات فراغت (دختران با میانگین ۱۸/۹۵۲ و پسران با میانگین ۲۳/۲۱۷) رابطه‌ی معنادار وجود داشته است؛ اما بین جنسیت و شیوه‌های علمی - آموزشی و تعاملی اوقات فراغت رابطه‌ی معناداری مشاهده نشده است.

جدول ۵: آزمون رابطه‌ی بین محل سکونت و شیوه‌های گذران اوقات فراغت

متغیرها	ابعاد	فراوانی	میانگین	درجه آزادی	T	Sig
محل سکونت و شیوه‌ی علمی - آموزشی اوقات فراغت	شهر	۸۱	۲۳/۹۳۸	۱۵۴	۱/۸۱۷	۰/۰۷۱
	روستا	۷۵	۲۲/۱۲۰			
محل سکونت و شیوه‌ی ورزشی اوقات فراغت	شهر	۸۲	۹/۳۴۱	۱۵۶	۲/۱۷۶	۰/۰۳۱
	روستا	۷۶	۸/۴۲۱			
محل سکونت و شیوه‌ی رسانه‌ای اوقات فراغت	شهر	۸۳	۲۱/۱۴۴	۱۵۷	۰/۴۴۲	۰/۵۲۲
	روستا	۷۶	۲۰/۵۶۵			
محل سکونت و شیوه‌ی تعاملی اوقات فراغت	شهر	۸۳	۱۰/۱۹۲	۱۵۶	۳/۰۸۲	۰/۰۰۲
	روستا	۷۵	۸/۸۲۶			

جدول بالا نشان می‌دهد که بین محل سکونت و شیوه‌ی ورزشی اوقات فراغت (شه‌ر نشینان با میانگین ۹/۳۴۱ و روستانشینان با میانگین ۸/۴۲۱)، و همچنین بین محل سکونت و شیوه‌ی تعاملی اوقات فراغت (شه‌ر نشینان با میانگین ۱۰/۱۹۲ و روستانشینان با میانگین ۸/۸۲۶) رابطه‌ی معنادار وجود داشته است؛ اما بین محل سکونت و شیوه‌های علمی - آموزشی و رسانه‌ای اوقات فراغت رابطه‌ی معنادار مشاهده نشده است.

۷. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی وضعیت گذران اوقات فراغت در میان دانش‌آموزان شهر ابوزیدآباد، به بررسی رابطه‌ی میان جنسیت و محل سکونت با شیوه‌های گوناگون گذران اوقات فراغت (شیوه‌های علمی - آموزشی، ورزشی، رسانه‌ای و تعاملی) پرداخته است. نتایج یافته‌های این پژوهش در بخش نظری بیان می‌دارند که شیوه‌های گذران اوقات فراغت در عصر حاضر در مقایسه با گذشته تغییرات چشم‌گیری داشته است، به طوری که با گسترش رسانه‌های نوین ارتباطی و شکل‌گیری جامعه‌ی اطلاعاتی و ظهور شهروند فعال، فعالیت‌های فراغتی به طیف متنوعی از انتخاب‌ها برای اعضای جامعه بدل گشته و افراد با توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خود نظیر منش، ذائقه و سرمایه‌ی فرهنگی به انتخاب نحوه‌ی گذران اوقات فراغت خود اقدام می‌کنند. اما در بخش تجربی و در آزمون فرضیات پژوهش، از هشت فرضیه‌ی مطرح شده، چهار فرضیه

تأیید شده است، به نحوی که بین جنسیت و شیوه‌های ورزشی و رسانه‌ای اوقات فراغت و همچنین بین محل سکونت و شیوه‌های ورزشی و تعاملی اوقات فراغت رابطه‌ی معنادار مشاهده شده است. بر اساس مطالب ارائه شده در بخش مقدمه و با توجه به نتایج به دست آمده از بخش تجربی می‌توان به ضرورت هرچه بیشتر توجه به مسائل فرهنگی و اتخاذ رویکرد پدافند غیرعامل فرهنگی (رسانه‌ای و ورزشی) در میان قشر مذکور اشاره کرد.

به طور کلی پیشنهادهای این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. توجه به شناسایی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت نوجوانان دانش‌آموز از طریق انجام پژوهش‌های متوالی؛ ۲. فراهم آوردن امکانات تفریحی و فراغتی در فضاهای آموزشی؛ ۳. افزایش امکانات تفریحی و فراغتی موجود برای نوجوانان و جوانان؛ ۴. ایجاد تسهیلات در زمینه‌ی بهره‌گیری از فضاهای فرهنگی و تاریخی به منظور آشنایی با فرهنگ و تاریخ ایران؛ ۵. ارائه‌ی برنامه‌های متنوع فرهنگی و آموزشی در سطح مدارس؛ ۶. تولید محصولات رسانه‌ای متناسب با نیازهای نسل جوان و نوجوان، جهت رویارویی با محصولات رسانه‌ای بیگانه و متعارض با فرهنگ و هویت ایرانی و اسلامی ما؛ ۷. تقویت اطلاعات و سواد رسانه‌ای برای اقدار گوناگون جامعه جهت رویارویی آگاهانه با رسانه‌ها و محصولات رسانه‌ای بیگانه؛

منابع

- آیزنک، مایکل (۱۳۷۵)، روان‌شناسی شادی، ترجمه‌ی مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، تهران، انتشارات بدر.
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۰)، هنگامه‌های فراغت، زمینه‌ساز بهداشت روانی و بستر خلاقیت‌ها، ماهنامه‌ی پیوند، شماره‌های ۱۴۱، ۱۴۲ و ۱۴۳.
- بابنگانی، بهمن و علی کاظمی (۱۳۸۹)، بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه‌ی فرهنگی، نشریه‌ی برگ فرهنگ، شماره‌ی ۲۱.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
- بی‌نا (۱۳۸۷)، نظریه‌ی اوقات فراغت در کتاب‌های جدید، فصلنامه‌ی مطالعات جوانان، شماره‌ی ۱۳.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی فرهنگی بورديو، در: مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره‌ی ایرانی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران، انتشارات سمت.
- خواجه نوری، بیژن و علی اصغر مقدس (۱۳۸۷)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباده، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی، ویژه‌نامه‌ی پژوهش‌های اجتماعی.
- رضایی صوفی، مرتضی (۱۳۸۵)، بررسی وضعیت گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی شهرستان رشت و رابطه‌ی آن با سطح امکانات فرهنگی و ورزشی، فصلنامه‌ی پیک نور، سال چهارم، شماره‌ی ۳.
- رفعت‌جاء، مریم (۱۳۹۰)، فراغت و ارزش‌های فرهنگی، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۱.
- شاطریان، محسن؛ امیر اشنوئی و محمود گنجی‌پور (۱۳۹۱)، تحلیل فضایی نحوه و میزان گذران اوقات فراغت (نمونه‌ی موردی بافت قدیم و بافت جدید شهر کاشان)، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی، شماره‌ی ۱.
- عصاره، علیرضا (۱۳۷۷)، خانواده و ضرورت توجه به اوقات فراغت فرزندان، ماهنامه‌ی پیوند، شماره‌های ۲۲۵، ۲۲۶ و ۲۲۷.
- عطایی سعیدی، حامد؛ محسن ناصری راد و سیده فاطمه محبی (۱۳۸۸)، اثرسنجی برنامه‌های اوقات فراغت دختران دانش‌آموز (مطالعه‌ی موردی استان خراسان شمالی)، فصلنامه‌ی مطالعات رامبردی زنان، شماره‌ی ۴۴.
- فکوهی، ناصر و فرشته انصاری مهابادی (۱۳۸۲)، اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی، نمونه‌ی موردی دو دبیرستان دخترانه‌ی شهر تهران، مجله‌ی نامه‌ی انسان‌شناسی، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۴.
- معمدمی‌مهر، اکبر و مریم واقف کودهی (۱۳۸۸)، مطالعه‌ی تطبیقی گذران اوقات فراغت جوانان شهر صومعه‌سرا (مطالعه‌ی موردی: دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان)، فصلنامه‌ی چشم‌انداز جغرافیایی، سال

چهارم، شماره ۹.

ممتاز، فریده (۱۳۸۳)، معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی، شماره‌های ۴۱ و ۴۲.
موحدی‌نیا، جعفر (۱۳۸۶)، اصول و مبانی پدافند غیرعامل، تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.